



### انتخابات، مشارکت زنان و کمپاین "تفکر، تحریر و عمل"

پدیده مثبتی به نام حق کاندید کردن و حق رأی دادن در افغانستان سابقه چندانی ندارد. کسانی که بعد از سالهای پنجاه خورشیدی در وطن متولد گردیده اند، تجربه ایرا در مورد نداشتند. تنها چهار سال قبل مردم کشور برای انتخاب رئیس جمهور کشور برای نخستین بار در پای صنوق های رأی رفتند ولی از آن نتیجه خوبی را به دست آورده نتوانستند. ولی با وجود همه نارسایی ها، این پروسه یک تجربه آموزنده برای مردم بود و آنها را برای انتخابات دوره فعلی بیشتر آماده نمود. این موضوع باور ها را در مورد انکشاف تدریجی جامعه به سوی جامعه دموکراتیک استوارتر می گرداند.

روند انتخابات را در کشور منحصی یک پروسه می توان در چهار مرحله جداگانه ولی باهم مرتبط تحت مطالعه قرار داد:

**مرحله اول انتخابات** همانا کاندید کردن و پیشبرد کمپاین انتخاباتی کاندیدان بود. با کمال افتخار میتوان گفت که در این مرحله کاندیدان کوشش نمودند تا مبارزه سیاسی را با اقدامات مؤثر و مفید آن راه اندازی نمایند. استفاده از زور و پول نسبت به انتخابات قبلی به مراتب کمتر صورت گرفت، حتی بسیاری اشخاص از میان مردم و احزاب سیاسی برای پیشبرد کمپاین انتخاباتی یک و یا تیم دیگر دلخواه شان به صورت رضامندانه بدون اجرت و حق الزحمه صرفاً به خاطر آینده بهتر کشور به کار و پیکار پرداخته اند. مطبوعات، نهاد های مدنی و روشنفکران نقش روشنگرانه را در میان بازی نمودند.

کاندیدهای ریاست جمهوری شخصاً به ولایات مختلف سفر کرده و تلاش ورزیدند تا اهداف خویش را به مردم تشریح و تبلیغ نمایند و رأی شانرا به خود جلب کنند. در تاریخ کشور ما این اولین باری است که دولتمداران احتمالی آینده به مردم واضحاً وانمود کرده اند که این شمانید که دروازه های ارگ را به روی رئیس جمهور آینده باز خواهید نمود. اکثر کاندید ها به شهر ها و ولایات کشور در نزد اقوام مختلف سفر نموده و برخی برای اولین مرتبه به زبان مردم مناطق دیگر با سرفرازی صحبت نمودند. اگرچه زمانی که بعضی از کاندیدهای فارسی زبان به پشتو صحبت میکردند و کاندیدهای پشتو زبان به دری بیانیه میدادند، اشتباهات لفظی و گرامری از ورای صحبت های شان شنیده میشد ولی با آنهم از آن باکی نداشتند. با این حرکت خویش آنها به مردم خود تفهیم نمودند که ما همه یک ملت هستیم و رأی هر تبعه این کشور دارای ارزش مساوی بوده و برای سیاست مداران قابل اهمیت است. این جریانها نه تنها مردم را به قدرت شان آگاه ساخت و آنها را از ناامیدی تاریخی و دلسردی سیاسی بیرون کشید، بلکه قدم مهم در راه ملت سازی و ترد نفاق و جدایی نیز بود. از این رو بجاست که به همه کاندیدانی که فعالانه به صورت گسترده بدون تبعیض و ترس در این راه مبارزه نموده اند، ارج گذاشت و این عمل تاریخی شانرا به نیکویی یاد کرد.

قابل یاد آوری است که از یازده تیم انتخاباتی که هریک شامل کاندید ریاست جمهوری و دو نفر معاونین بود، یعنی جمعاً در میان 33 نفر کاندید های محترم صرف دو زن با تجربه و بادانش به حیث کاندیدهای معاون دوم رئیس جمهور موجود بودند. این موضوع واقعاً تاسف آور و سؤال برانگیز است. از خانمهای که اکثراً از طریق تلویزیون ها با صحبت های سیاسی و علمی شان آشنایی داریم، در این میان اثری نبود و از میان آنهمه زنانی که در ولسی جرگه و مشرانو جرگه و ادارات دولتی در طول سالها عضویت داشته و وظیفه اجرا نموده اند و آنهایی که با دست و دل پاک پیکار نموده اند، در میان کاندیدان دیده نمیشد.

**مرحله دوم انتخابات** عبارت از پروسه رأی دهی بود که به حیث یک پدیده باورناکردنی آبرو، شرف و حیثیت ملت افغانستان را اعاده نمود. در این مرحله "انگشت ها" در مقابل مشت ها بلند شد و ثابت نمود که هرگاه ملت به صورت یک پارچه و مصمم

عمل نماید، هیچ دشمنی نمیتواند سر نوشت مردم افغانستان را بار دیگر به بازی بگذرد. در این جریانات سهم زنان افغانستان کاملاً هویدا بود. نظر به احصائیه های نشر شده چهل فیصد زنان کشور در انتخابات اشتراک نموده بودند. زنان کشور به اثبات رسانیدند که آنها آگاهی سیاسی و اجتماعی را دارا بوده، با استفاده از فرصت مشارکت در انتخابات مخالفت خویش را بر ضد وضعیت جاری افغانستان ابراز نموده و موجودیت اجتماعی و سیاسی خویش را در جامعه برجسته ساختند. هر یک از آنها در صف رأی دهندگان در زیر بارش شدید باران و خطر انفجار، بالای افسانه بی خبری و بی علاقه زنان افغانستان در قبال زندگی جامعه خط بطلان کشید. این صحنه ها مرا به یاد یک کنفرانس مطبوعاتی در سال 2010 انداخت که در آن یکی از خانم های درجه اول یکی از احزاب آلمان و اینجانب اشتراک داشتیم. من و آن خانم در این کنفرانس در مورد وضع زنان در افغانستان دو نظر مخالف را ارائه کردیم. وی زنان افغانستان را به حیث قشر بیچاره، قابل ترحم و از دنیا بی خبر معرفی کرده و قدرت طالبان را خیلی بیشتر از آنچه بود، توصیف نمود و من زنان کشورم را قشر تحت ستم ولی بیدار و جستجوگر که حاضر به پیکار اند، تعریف نمودم. این کارم به طعم وی برابر نیامد زیرا سخنان و موضعگیری اشرا را ضعیف گردانید. خوشبختانه جریان انتخابات بار دیگر برای ما ثابت نمود که ما افغانها بیشتر از هر کس دیگر وطن و وطنداران خویش را خوبتر میشناسیم و نباید ناامیدانه و پاسیف به نظر دیگران اتکاء نمائیم، بلکه در انکشاف مثبت اوضاع کشور آگاهانه و با جرئت قدم برداریم.

در مرحله رأی دهی پنج اصل انتخابات دموکراتیک و مردمی که عبارت از همگانی بودن انتخابات برای تمام اتباع جامعه، آزاد بودن آن، سری بودن، مستقیم بودن و مساوی بودن رأی میباشند، در پروسه رأی دهی 5 اپریل امسال تا حدود ممکنه در مورد مردان و زنان در افغانستان مراعات گردید.

در این مرحله انتخابات بر خلاف زندگی روزمره و معمولی، رأی و نظر زنان ارزشی را به خود کمایی نمود، رأی او مساوی به رأی مرد فامیلش و هر مرد دیگر وطنش بود، همه زنان کشور اعم از با سواد و بیسواد، سالم و معیوب، شهری و دهاتی، دارا و نادار بدون تبعض زبانی، مذهبی و قومی برای رأی دهی دعوت شدند، زن میتواندست خودش بدون مداخله مرد فامیلش این و یا آن کاندید رابه صورت سری انتخاب نماید، قانوناً هر زن آزاد بود تا به پای صندوق رأی دهی برود و بدون اجبار رئیس جمهور آینده کشور را انتخاب نماید، واطاق رأی دهی یگانه جایی بود که مرد فامیلش نمیتوانست از وی نمایندگی نموده و به عوض او ورق رأی را در صندوق دلخواش بیانازد. استفاده از این حقوق در تاریخ کشور برای زنان وطن ما یک پدیده جدید بوده که آنرا باید به فال نیک گرفت. ولی نباید فراموش کرد که دموکراسی یک طرز زندگی است که ضرورت به آموزش و تمرین دارد و طوریکه آقای نورمحمد غفوری در یکی از نوشته هایش گفته است که دموکراسی یک هنر زندگی است که در پهلوی سایر شرایط به وسایل و افزار لازم ضرورت دارد. همانطوریکه یک نقاش به مویک ضرورت دارد و یک خطاط به قلم و رنگ، مردم هم به پروسه ها و وسایل آموختن دموکراسی ضرورت دارند. انتخابات یکی از اسباب آموزش و تمرین دموکراسی میباشد که بر مبنای آموخته های آن میتوان قدم های بلندتر و مؤثر تر دیگر در این راستا برداشته شود.

مشارکت وسیع مردم در پروسه رأی دهی اگرچه موجب سربلندی هر افغان شده است ولی این پروسه فقط مقدمه کار بزرگی است که ملت افغانستان هنوز در پیشرو دارد. قسمت مهمتر این پروسه عبارت از مرحله سوم انتخابات میباشد.

**مرحله سوم انتخابات** همانا شمارش آراء و پذیرش نتایج آن از جانب کاندیدان، تیم های کاری و مردم است. امیدواری ملت افغانستان ما بر این است که در شمردن آراء تقلب صورت نگرفته و باور مردم از انتخابات ساقط نگردد.

در این پروسه اگرچه بالاخره یک تیم برنده خواهد شد ولی در این امر بزرگ ملی بازنده ای در میان نخواهد بود. زیرا تمام شرکت کنندگان وجیبه ایمانی و وجدانی شانرا در مقابل وطن و وطنداران شان انجام داده و اساساً این روند را از ناکامی نجات داده اند.

پذیرش صادقانه نتایج انتخابات از جانب کاندیدان برای آینده کشور از اهمیت فراوانی برخوردار است. مردم زجر کشیده و قهرمان ما از تمام کاندیدان و تیم های ایشان این تقاضا را دارند که با کلتور عالی سیاسی، حوصله فراخ و همت والا نتایج آراء مردم خویش را ارج گذاشته و آنرا بدون جنجال و تحریک منفی مردم پذیرا گردند، تا باشد که فداکاری مردم، جانفشانی نیرو های سه گانه اردو، پولیس و امنیت، استواری و پیکار مطبوعات و زحمات خودشان بی ثمر نمانده و احترام به مشارکت مردم پایگاه محکمی برای اعمار بعدی جامعه ما گردد.

**مرحله چهارم** یعنی مهمترین بخش پروسه که همانا دور عمل و تطبیق پلان های وعده داده شده ای تیم برنده میباشد، در حقیقت آغاز فصل جدید در حیات جامعه است.

سهمگیری مردم در انتخابات 1393 خورشیدی گواه آن است که مردم خواستار یک تغییر عمیق در ترکیب رهبری دولتی و سیاست های دولت آینده میباشد. مردم انتظار عمل را دارد. دولت آینده باید به حیث نماینده مردم خود را مکلف به خدمت و عملی

نمودن وعده های قبل از انتخابات بدانند. دولت جدید باید وظایف را به اهل کار سپرده، از خویش خوری ها، مصلحت گرایی ها، پارت بازی ها و قومگرایی ها خودداری ورزد.

با اشتراک فعالی که زنان در انتخابات ایفا نمودند، لازم است تا در اجرای وظایف بعدی در دولت نیز سهم برجسته ایرا احراز کنند. زنان آگاه کشور با صداقت مادروطن و دست های پاک انسان پرورانه شان مستحق اعتماد و باورمندی بیشتر هستند. آنها از عهده وظایف سپرده شده به خوبی بدر خواهند آمد و با توانایی های به خصوص شخصیتی خویش کمبودات جامعه را مرفوع خواهند نمود. چندی قبل در مقاله ای از محترم کبیر قیس مطالعه نمودم که دانشمندان جهان ثابت نموده اند که مغز زنان و مردان از هم متفاوت اند که هرکدام دارای توانایی ها و ناتوانایی های به خصوص خویش میباشند. ولی زنان و مردان متقابلاً ناتوانایی های همدیگر را با توانایی های خویش جبران میکنند و این دو جنس مقابل در عین حال مکمل و متمم همدیگر اند. ما این خصوصیت را در حقیقت در زندگی روزمره فامیلی خویش همیشه تجربه مینمایم. حالا وقت آن است که به زنان موقع داده شود تا در واحد های بزرگتر اجتماعی، سیاسی، اداری، اقتصادی و غیره نیز لیاقت و کاردانی خویش را در معرض اجرا گذاشته و در تکمیل این واحد ها سهم وطندوستانه و انسانی خویش را ادا نمایند.

شاید اکثر خوانندگان عزیز از راه اندازی کمپاین "تفکر، تحریر و عمل" توسط عده ای از زنان و مردان کشور آگاهی داشته باشند. این کمپاین از اول مارچ- به افتخار هشتم مارچ روز همبستگی بین المللی زنان جهان آغاز گردیده و الی اول جون- به افتخار هشتم جون روز همبستگی بین المللی زنان افغانستان ادامه خواهد داشت. در این کمپاین از همه هموطنان تمنا میرود تا در مورد مسایل فامیلی اجتماعی، سیاسی، فامیلی، مسلکی و امثالهم که در آنها نقش زنان و پرابلم های آنها مورد بررسی قرار بگیرد، بنویسند. برای آنکه در این مورد از تعداد هر چه بیشتر خواهران و برادران نظریات و مقوله های داشته باشیم، خواهش میکنیم که نظریات شانرا به صورت مؤجز در دو و یا چهار سطر نوشته و برای ما ارسال دارند. آن عده از دوستانی که در این موارد مقالات مینویسند و در توضیح بیشتر مسایل میپردازند، مورد استقبال گروپ کاری کمپاین قرار میگیرند. ما قسمتهای از مقالات شانرا به شکل وجیزه ها انتخاب نموده و مؤخذ مقاله را برای خوانندگان ذکر خواهیم نمود.

برای توسعه موضوع بحث پیشنهاد مینمایم تا همچنان در مورد ظرفیت ها و توانایی های زنان و مردان و همچنان ناتوانایی های آنها، منشاء و علل آن در آینده بحث نمائیم. این بحث ها یقیناً در خود شناسی و دیگرشناسی افراد جامعه ممد واقع خواهد گردید. شناخت دقیقتر ظرفیت های این دو جنس مقابل ولی در عین حال مکمل و متمم هم که خداوند (ج) آنها را بمتابله لباس همدیگر یاد کرده است، میتواند در پیشرفت جامعه نقش خوبی را ایفا نماید. همچنان از شما خواننده گرامی خواهش مینمایم تا لطف نموده و در مورد سهم دهی زنان در ارگان های دولتی و تبعیض مثبت برای زنان بحث نمائید.

مشارکت زنان و مردان در امور کشوری آلام مردم افغانستان را تقلیل بخشیده و نویدآور آینده خوشبخت و مرفه آنها خواهد بود.

پایان